خراسان روزنامه صبح ایران
چهارشنبه ۱۱ مهر ۱۳۹۷ . ۲۳ محرم ۱۴۴۰ . شماره ۱۹۹۲۹

قربانیان زلزله اندونزی به ۱۲۳۴ تن رسید

تلفات حادثه زمین لرزه و سونامی در اندونزی به هزار و ۲۳۴ تن افزایش پیدا کرد. به گزارش ایسنا، شبکه خبری اسکای نیوز به نقل از منابع داخلی اندونزی اعلام کرد: شمار تلفات این حادثه طبیعی در این کشور به هزار و ۲۳۴ تن افزایش پیدا کرده است. روز دوشنبه گذشته تعداد فوتی های زلزله و سونامی در اندونزی حدود ۸۴۰ تن اعلام شده بود. همچنین در ادامه عملیات جست وجوی قربانیان این حادثه، نیروهای امداد گر توانستند اجساد تعدادی دانش آموز را از زیر آوار خارج کنند.

اعترافات وحشتناک زنی که ۱۶ روز در محل دفن شوهرش زندگی کرد

جنایت در مرداب رابطه شیطانی

سید خلیل سجادپور- زنی که در مرداب رابطه شیطانی و با طرح نقشه ای شوم، همسرش را با همدستی یک جوان ۲۴ ساله به قتل رسانده و جسد او را در منزل اجاره ای محل سکونت شان دفن کرده بود، با اعترافات وحشتناک، راز این قتل را در حالی فاش کرد که قاضی ویژه قتل عمد مشهد در پی احتمال وقوع جنایت در ماجرای کودک ربایی رسیدگی به این پرونده را به عهده گرفت.

به گزارش اختصاصی خراسان، این زن ۲۸ ساله که در حال فراهم کردن مقدمات خروج از کشور با صدور دستورات صریحی از سوی قاضی کاظم میرزایی در چنگ قانون گرفتار شده است، روز گذشته به تشریح جزئیات این جنایت وحشتناک پرداخت و گفت: اواخر سال گذشته با مهرداد (همدست متهم) که شاگرد میوه فروشی بود، آشنا شدم و شماره تلفنم را به او دادم.

همسرم به مواد مخدر سنتی اعتیاد داشت و گاهی مرا کتک می زد! من هم با آن جوان ۲۴ ساله مشکلاتم را در میان می گذاشتم تا این که روزی مهرداد گفت با چند نفر از دوستانش هماهنگ کرده که شوهرم را به کویت ببرند و من هم خوشحال بودم که از شر او خلاص می شوم! ولی مهرداد خیلی دروغگو بود و مثل آب خوردن دروغ می گفت. این حرفش هم عملی نشد تا این که روزی همسرم مرا کتک زد و دستم شکست. من بلافاصله با مهرداد تماس گرفتم و موضوع را به او گفتم. این گونه بود که تصمیم به قتل شوهرم گرفتیم. آن روز مهرداد برای خرید قرص برنج به پنجراه مشهد رفت ولی فروشنده از دادن قرص به او خودداری کرد. او دوباره با برداشتن کارت های شناسایی پدرش نزد فروشنده رفت و به هر طریقی بود قرص گرفت تا من آن را به همسرم بخورانم! اوایل اردیبهشت بود که هنگام عصر، قرص ها را درون داروهای گیاهی معروف به «جوشانده» ریختم. البته اول قرص را پودر کردم تا به عنوان داروی سرماخوردگی به او بدهم ولی آن قرص هیچ اثری نکرد و همسرم مدام می گفت: چقدر بد مزه است! گفتم پس بقیه اش را نخور! وقتی موضوع را به مهرداد گفتم، او ناراحت شد و گفت: تو عرضه نداری! حق توست که این قدر زجر بکشی! ولی دوباره زنگ زد و از من خواست طنابی برای قتل همسرم آماده کنم تا او را خفه کند! من هم از داخل حیاط طناب پلاستیکی لباس ها را پاره کردم و به داخل خانه بردم. آن شب وقتی همسرم مواد مصرف کرد و همان جا خوابش برد، حدود ساعت یک بامداد با مهرداد تماس گرفتم. او آمد و از من خواست در همان حالت خواب، طناب را دور گردن شوهرم بیندازم تا آن را بکشد! وقتی مهرداد داخل آشپزخانه رفت، من طناب را برداشتم که دور گردن همسرم بیندازم و لی ناگهان از خواب بیدار شد! من که ترسیده بودم طناب را پنهان کردم و گفتم:

عکس از خراسان
«ز-م» متهم به همسرکشی در محل وقوع جنایت

بخواب! چرا بیدار شدی؟ او گفت: کمی آب می خواهم! و خودش برای نوشیدن آب به آشپزخانه رفت که چشمش به مهرداد افتاد! در این لحظه شوهرم خشمگین به سمت من برگشت و چند تا مشت به سرم کوبید و سپس با مهرداد درگیر شد. مهرداد می گفت: من سفته از تو طلبکارم و برای صحبت درباره پول آمده ام! ولی همسرم دوید و چماقی را از روی زمین برداشت و چند ضربه به مهرداد زد! در این هنگام مهرداد از آشپزخانه بیرون آمد و طناب را دور گردن همسرم انداخت. وقتی همسرم حالت نیمه خمیده شده بود من هم ضربه ای محکم با چوب به سرش کوبیدم که دوباره مهرداد طناب را کشید تا این که احمد (مقتول) روی شکم به زمین افتاد. به توصیه مهرداد یک سرنگ خالی برداشتم و آمپول هوا به سینه اش زدم! در این هنگام پسر ۱۰ ساله ام (امین) از خواب بیدار شد و این صحنه را دید که به او تشر زدم به اتاق برود! آن شب جسد را درون حمام کشاندیم، صبح پسرم را راهی مدرسه کردم و به او گفتم پدرش خوب شده و صبح از خانه بیرون رفته است! دچار عذاب وجدان شده بودم و از ابزار فروشی محل کلنگ و بیل خریدم تا جسد همسرم را دفن کنیم! ظهر همان روز وقتی پسرم از مدرسه بازگشت مبلغی پول به او دادم تا پسر کوچکم الیاس را به کلوب بازی های رایانه ای ببرد و همان جا ساندویچ بخورند و تا غروب بازنگردند! به گزارش اختصاصی خراسان، متهم این پرونده جنایی در ادامه اعترافات هولناک خود اضافه کرد: با کمک مهرداد، گودالی در اتاق خواب کندیم و جسد را دفن کردیم. بعد از آن ۱۶ روز در همان خانه ماندیم و در کنار یکدیگر زندگی می کردیم تا بتوانم پول رهن منزل را از صاحبخانه بگیرم. به همین منظور نقشه ای کشیدم و مهرداد با تلفن همسرم با صاحبخانه تماس گرفت تا پول رهن را به من بدهد! او که خودش را به جای شوهرم جا زده بود چنین وانمود کرد که برادرش در تهران فوت کرده و او باید به تهران برود. سپس از صاحبخانه خواست که مبلغ رهن را به من بدهد! اما بعد از آن صاحبخانه پشیمان شد و گفت: این چه مراسمی است که این همه طول کشید! هر وقت شوهرت بازگشت پول رهن را می دهم در غیر این صورت مبلغ آن را به حساب دادگستری واریز می کنم! «ز-م» افزود: من دیگر نمی توانستم در آن خانه بمانم چرا که همسایگان به ماجرا مشکوک می شدند بنابراین تصمیم گرفتم به همراه مهرداد به خارج از کشور فرار کنیم.

این گونه بود که به یک مرکز کاریابی رفتیم تا ما را به ترکیه اعزام کند ولی متصدی کاریابی می گفت: الان سایت باز نمی شود و شما باید مدتی صبر کنید!

به همین دلیل به فکر اجاره کردن یک منزل دیگر افتادیم. من مقداری از طلاهایم را فروختم و دو میلیون هم مهرداد جور کرد تا این که منزلی را در خیابان شهید چراغچی ۱۳ رهن و اجاره کردیم! ولی برای رفتن به خارج از کشور به پول بیشتری نیاز داشتم این بود که به روستایمان در شهرستان فاروج رفتم تا زمین ارثی را بفروشم! آن جا در پاسخ به سوال های پدرم گفتم شوهرم فردی را با میلگرد به قتل رسانده و اکنون لب مرز افغانستان است تا پول برایش بفرستم و بتواند از کشور فرار کند! با این حال مشتری برای خرید زمین پیدا نشد و من دوباره به مشهد بازگشتم! این در حالی بود که خانواده ام به اظهارات من درباره قتل مشکوک شده بودند و مدام تماس می گرفتند. من هم دیگر به تلفن هایم پاسخ نمی دادم تا این که یک روز وقتی فرزندانم در کوچه بازی می کردند و من و مهرداد داخل خانه بودیم ناگهان پسر ۱۰ ساله ام هراسان وارد حیاط شد و گفت: پدر بزرگ و دایی آمدند! من خیلی ترسیدم که منزل ما را پیدا کنند بلافاصله امین را برداشتم و به همراه مهرداد به پشت بام رفتیم. نردبان را هم بالا کشیدم تا کسی به پشت بام نیاید! برادرم با دیدن الیاس او را در آغوش گرفت و پسر چهار ساله ام در منزل ما را به آن ها نشان داد. ما که از پشت بام این صحنه را می دیدیم فقط خودمان را تا صبح روز بعد مخفی کردیم که آن ها ما را نبینند! در همین حال خانواده ام پسرم را با خودشان به محل سکونت برادرم در بولوار طبرسی بردند! من که نگران بودم چند بار با تاکسی دربستی به اطراف منزل برادرم رفتم تا اگر فرزندم را دیدم او را با خودم ببرم ولی موفق نمی شدم تا این که با فروشنده مواد غذایی آشنا شدم و از او خواستم هر وقت پسرم را دید به من اطلاع بدهد. به او گفتم ماجرای خانوادگی است و نمی خواهم پسرم نزد پدرش باشد!! تا این که یک روز تماس گرفت و من به محل رفتم آن جا به خاطر این که شناسایی نشوم با ترفندی خاص از یک جوان موتورسوار خواستم پسرم را برایم بیاورد اما او می ترسید تا این که شماره تلفنم را به او دادم و مشخصات فرزندم را گفتم. او در کوچه با پسر کوچک دیگری بازی می کرد که آن جوان موتورسوار، او را نزد من آورد!

متهم این پرونده جنایی گفت: در حالی که پدرم به خاطر ربوده شدن پسرم شکایت کرده بود، اختلافاتی نیز بین من و مهرداد شکل گرفت و من به منزل یکی از دوستانم رفتم که همسرش در زندان بود! آن روز در حالت

محل دفن مقتول در منزل مسکونی اجاره ای

عصبانیت با گوشی به سر ولب مهرداد زدم و گفتم می روم کلانتری و همه چیز را اعتراف می کنم. چرا که من نمی خواستم دیگر در کنار مهرداد باشم.

ولی مدارکم نزد او بود و نمی توانستم پول رهن خانه را بگیرم! تا این که روزی از منزل دوستم به مهرداد زنگ زدم. او مرا به خانه مادرش برد و چند روز در خانه مادر مهرداد بودیم اما او خیلی دروغ می گفت و من به هیچ وجه به حرف هایش اعتماد نمی کردم. می گفت: در یک باغ نگهبان می خواهند و ما به عنوان سرایدار می توانیم آن جا برویم ولی می دانستم دروغ می گوید.

بعد از این ماجرا بود که با یک راننده تاکسی آشنا شدم و برایش درد دل کردم. او هم مرا به خانه مترکه ای در اطراف روستای ده غیبی برد تا در آن جا برای مدتی زندگی کنم ولی چند روز بعد هنگامی که به همراه دو فرزندم در خانه نشسته بودم ناگهان کارآگاهان اداره جنایی آگاهی را بالای سرم دیدم و فهمیدم که همه چیز لو رفته است.

گزارش خراسان حاکی است: به دستور قاضی کاظم میرزایی، این زن ۲۸ ساله با صدور قرار بازداشت موقت در حالی روانه زندان شد که محل دفن شوهرش را نیز به کارآگاهان نشان داد و جسد مقتول با تلاش نیروهای آتش نشان از زیر خاک های داخل اتاق بیرون کشیده شد.

سابقه خبر

حدود یک ماه قبل پیرمردی ماجرای ربوده شدن نوه چهار ساله اش را به پلیس گزارش کرد که پرونده ای با دستور سرهنگ بیات مختاری (رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی) در اداره جنایی تشکیل شد و گروه ویژه ای از کارآگاهان اداره مبارزه با آدم ربایی به تحقیق در این باره پرداختند اما خیلی زود بررسی ها نشان داد که اثری از پدر کودک مذکور نیز وجود ندارد و کسی از ارادیبهشت ماه او را ندیده است. این گونه احتمال وقوع جنایت قوت گرفت و قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد) رسیدگی به این پرونده را عهده دار شد. طولی نکشید که با صدور دستورات ویژه و راهنمایی های قضایی، کارآگاهان با رصدهای اطلاعاتی عاملان این جنایت هولناک را شناسایی و دستگیر کردند.

اقرار به همسرکشی در محل جنایت

سجادپور- مردی که شب سه شنبه گذشته، همسرش را با ضربات هولناک چوب به قتل رسانده بود، در محل وقوع جنایت و در حضور قاضی ویژه قتل عمد به کشتن همسرش اقرار کرد و گفت: در یک لحظه عصبانی شدم و نفهمیدم چه می کنم! به گزارش خراسان، ساعت ۲ بامداد سه شنبه گذشته، صدای زنگ تلفن همراه قاضی ویژه قتل عمد مشهد به صدا درآمد و ماموران کلانتری کاظم آباد از قتل زنی در توس ۶۵ خبر دادند. به دنبال دریافت این خبر بلافاصله قاضی کاظم میرزایی عازم خیابان نجف ۲۹ شد و به تحقیق در این باره پرداخت. بررسی های قاضی شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد حاکی از آن بود که مردی به نام ابراهیم بعد از یک مشاجره لفظی با همسرش با چماق به جان او افتاده تا این که زن ۳۱ ساله، غرق در خون نقش بر زمین شده است. بنا به گزارش خراسان، این مرد که حلقه های قانون در محل وقوع جنایت بر دستانش گره خورد، در همان بازجویی های اولیه و در حضور قاضی میرزایی به صراحت قتل همسرش را پذیرفت و در حالی که از وقوع این حادثه به شدت ابراز پشیمانی می کرد، گفت: من در یک کارگاه تولیدی کفش کار می کنم و همسرم نیز برای زن دیگری دوزندگی می کرد. شب هنگام که از سر کار به منزل بازگشتم همسرم همه روسری هایی را که آماده کرده بود، تحویل کارفرما داد ولی درباره دستمزدش چیزی نگفت! من که از این کارش عصبانی شده بودم به او اعتراض کردم که چرا پولت را نگرفتی! شاید بعد دستمزدت را ندهند! به همین دلیل مشاجره لفظی بین ما شروع شد و من دیگر نفهمیدم چگونه ضربات چماق را بر سر و پیکر او فرود آوردم. همسرم دختر خاله ام نیز بود و حالا به شدت پشیمانم. اوزن خوب و همراهی بود و با همه سختی ها و مشکلاتم می ساخت! حتی اگر قصاص هم نشوم چگونه فردا می توانم به دو فرزند دختر ۹ و شش ساله ام بگویم که من قاتل مادرشان هستم. گزارش خراسان حاکی است، اعترافات و اظهارات متهم این پرونده جنایی در محل وقوع قتل زمانی به پایان رسید و تحقیقات مقام قضایی خاتمه یافت که دیگر خورشید انوار طلایی اش را بر شهر گسترانیده بود و شهروندان روز دیگری را آغاز کردند. بنابراین گزارش، «ابراهیم» با صدور قرار قانونی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا بررسی های بیشتری درباره انگیزه وی از ارتکاب این جنایت هولناک صورت گیرد.

مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش خراسان رضوی:

درگیری بین اولیا و ۲ معلم در ناحیه ۲ مشهد

مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش خراسان رضوی گفت: امروز (دیروز) بین اولیای دانش آموزان و دو تن از معلمان آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد درگیری رخ داد که طی آن هر دو معلم آسیب دیدند و اکنون از بیمارستان مرخص شده اند. مهدی مجیدی فرد در گفت و گو با فارس در مشهد اظهار کرد: امروز (دیروز) بین اولیای دانش آموزان و دو تن از معلمان آموزش و پرورش ناحیه ۲ مشهد درگیری رخ داد که طی آن هر دو معلم آسیب دیدند و اکنون از بیمارستان مرخص شده اند. مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش خراسان رضوی گفت: یک تیم ویژه از طرف مدیرکل آموزش و پرورش خراسان رضوی با همکاری مقامات انتظامی و اورژانس موضوع را بررسی می کنند. وی با بیان این که در آموزش و پرورش سیستم نظارتی برای بررسی عملکرد معلمان در ابعاد مختلف کاری وجود دارد افزود: در کنار این اعمال نظارت بر عملکرد معلمان خود قطعا قانون را در اولویت قرار می دهیم. مجیدی فرد اظهار کرد: انتظار ما از والدین دانش آموزان این است که اگر مشکلی با معلمان که در مدرسه خدمت می کنند به وجود آمد از طریق قانون پیگیری کنند و با توجه به این که فضای مدرسه و آموزشگاه برای ما یک حریم مقدس و معلم نیز یکی از اولویت های ما در نظام تعلیم و تربیت است، هتک حرمت معلم برای ما خوشایند نیست. مدیر روابط عمومی آموزش و پرورش خراسان رضوی با اشاره به این که در صورت متخلف بودن دو معلم با آن ها برخورد می شود تصریح کرد: به دلیل این که درگیری در فضای مدرسه رخ داده و التهاب و استرس به دانش آموزان در فضای آموزشی وارد شده است، قطعا موضوع را از مراجع قانونی و قضایی پیگیری می کنیم. وی متذکر شد: بعد از بررسی کامل تیم ویژه تعیین شده از سوی مدیرکل و با در نظر گرفتن تمام جوانب موضوع و شنیدن صحبت های والدین و معلمان تا دو روز آینده نتیجه و گزارش کامل آن اطلاع رسانی می شود.

در امتداد روشنایی

عشق یک طرفه!

در حالی عاشق دختری بزرگ تر از خودم شده بودم که می خواستم آبروی دختر دیگری را نیز حفظ کنم. در واقع حس «قهرمان بازی» داشتم اما این حس فقط برای رسیدن به خواسته های خودم بود تا این که در پی رسیدن به خوشبختی وارد ماجرای عشق یک طرفه ای شدم که ... مرد ۲۶ ساله در حالی که بیان می کرد همواره تلاش کردم همسرم را به آرزوهایش برسانم اما او هیچ اهمیتی به من نمی دهد و گویی با یک موجود بی جان زندگی می کند، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری ۲۴ میرزا کوچک خان مشهد گفت: تا جایی که به خاطر دارم از همان دوران کودکی پا به پای پدرم کار می کردم ولی هیچ وقت نمی گذاشتم کار کردن موجب تضعیف درس هایم شود به همین دلیل همیشه شاگرد ممتاز بودم. پدرم اعتقاد داشت مردی همواره موفق است که مستقل باشد و بتواند روی پای خودش بایستد برای همین در ساعات خارج از مدرسه یا روزهای تعطیل همراه پدرم سر کار می رفتم و پول هایم را پس انداز می کردم تا این که وارد دبیرستان شدم. آن زمان دختری در همسایگی ما زندگی می کرد که یک سال از من کوچک تر بود. روزهای زیادی آن دختر را تعقیب می کردم تا اطلاعات بیشتری به دست آورم. پدر و مادرم که متوجه علاقه من به آن دختر شده بودند خیلی زود آستین بالا زدند تا او را برایم خواستگاری کنند. پدرم که خانواده آن ها را می شناخت اصرار داشت هرچه زودتر به خواستگاری برویم. در همین روزها بود که من با دیدن خواهر یکی از دوستانم عاشق او شدم اگرچه «وحیده» چند سال از من بزرگ تر بود ولی من به این حرف ها توجهی نداشتم و برای فرار از ازدواج با دختر همسایه تصمیم گرفتم هرچه زودتر با وحیده ازدواج کنم چرا که دوستم معتقد بود آن دختر با پسران دیگری نیز ارتباط دارد و نمی تواند همسر خوبی برایم باشد او می گفت دختر همسایه ما فقط ظاهرش را در محله حفظ می کند ولی بی بند و بار است. من هم که دلباخته وحیده بودم حرف های دوستم را بدون تحقیق جدی گرفتم اما نمی خواستم با گفتن این جملات با آبروی او در محله بازی کنم چرا که پدرم از این موضوعات اطلاعی نداشت. بالاخره خانواده ام راضی به ازدواج من با وحیده شدند ولی قلبا راضی نبودند خلاصه همزمان با گرفتن دیپلم از خدمت سربازی هم معاف شدم ولی دیگر نتوانستم به خاطر مخارج زندگی تحصیلاتم را ادامه بدهم. من برای رسیدن به خوشبختی همه تلاش خود را به کار بردم و عروسی باشکوهی گرفتم اما متاسفانه همسرم اخلاق خاصی داشت. با این که در یک شرکت مشغول کار بودم اما اگر نمی توانستم یکی از خواسته های او را برآورده کنم مدت ها با من قهر می کرد تا زمانی که مجبور می شدم به خواسته اش تن بدهم. این در حالی بود که پدر و مادرم همه پس اندازهایم در زمان مجردی را با خواست من برای مجلس عروسی و دیگر مراسم خرج کرده بودند و این موضوع موجب دخالت های خانواده وحیده در زندگی من شده بود تا حدی که همسرم هیچ ارزش و احترامی برایم قائل نبود. در این میان، من همه تلاشم را به کار گرفتم تا دوباره از نظر اقتصادی روبه راه شدم و با آن که صاحب دو فرزند بودیم ولی باز هم انگار فقط یک موجود متحرک بودم و در گورستانی غریب زندگی می کردم. کار به جایی رسید که شب ها در شرکت می خوابیدم ولی هیچ تغییری در رفتار همسرم به وجود نیامد. او وقتی از منزل پدرش بازمی گشت با هر بهانه کوچکی مرا تحقیر می کرد. وقتی روزی گریه کنان علت این رفتارها را از او پرسیدم به چشمانم خیره شد و گفت: «هیچ حسی به تو ندارم! و تنها به اصرار برادرم با تو ازدواج کردم» وقتی فهمیدم عشق من یک طرفه بوده و زندگی ام در آستانه فروپاشی قرار دارد به دایره مشاوره کلانتری آمدم تا چاره ای بیابم. لازم به یادآوری است با دستور سرهنگ علایی (رئیس کلانتری میرزا کوچک خان) و برگزاری چندین جلسه مشاوره در دایره مددکاری، آرامش به زندگی این زوج برگشت تا ادامه سفر زندگی را در کنار هم باشند.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

فرزند نوجوان قربانی بی احتیاطی پدر در نگهداری از اسلحه شد

توکلی- بی احتیاطی پدر در نگهداری اسلحه، فرزند ۱۵ ساله وی را به کام مرگ کشاند. معاون دادسرای عمومی و انقلاب منوجان گفت: شوخی مرگبار یک نوجوان با اسلحه کلت کمری منجر به جان باختن وی شد. به گزارش خبرنگار ما، قاضی امیدرضایی روز گذشته افزود: این نوجوان منوجانی بنابر کنجکاوی و بازی های کودکانه بدون اجازه والدین و به صورت مخفیانه به سراغ اسلحه سازمانی پدرش که نظامی بوده است می رود و هنگام بازی یک گلوله به ناحیه سر مقتول اصابت می کند.

این مقام قضایی بیان کرد: باتوجه به این که گلوله به پیشانی اصابت کرده بود، این نوجوان ۱۵ ساله در دم جان باخت.

وی خاطرنشان کرد: در این زمینه پرونده قضایی در شعبه اول بازپرسی دادسرای منوجان تشکیل شده و تحقیقات تکمیلی همچنان ادامه دارد.

وی تاکید کرد: افرادی که مجوز نگهداری و حمل سلاح دارند، باید اسلحه سازمانی را دور از دسترس اطفال، کودکان و اعضای خانواده قرار دهند.

عامل قتل زن جوان در تالش دستگیر شد

به گزارش رکنا، روز گذشته خبر به قتل رسیدن زنی ۲۵ ساله در تالش منتشر شد که بلافاصله تیمی از مقامات قضایی، اطلاعاتی و انتظامی تشکیل و با پیگیری بازپرس ویژه، قاتل در کمتر از ۱۲ ساعت در ارتفاعات لیسار دستگیر شد.
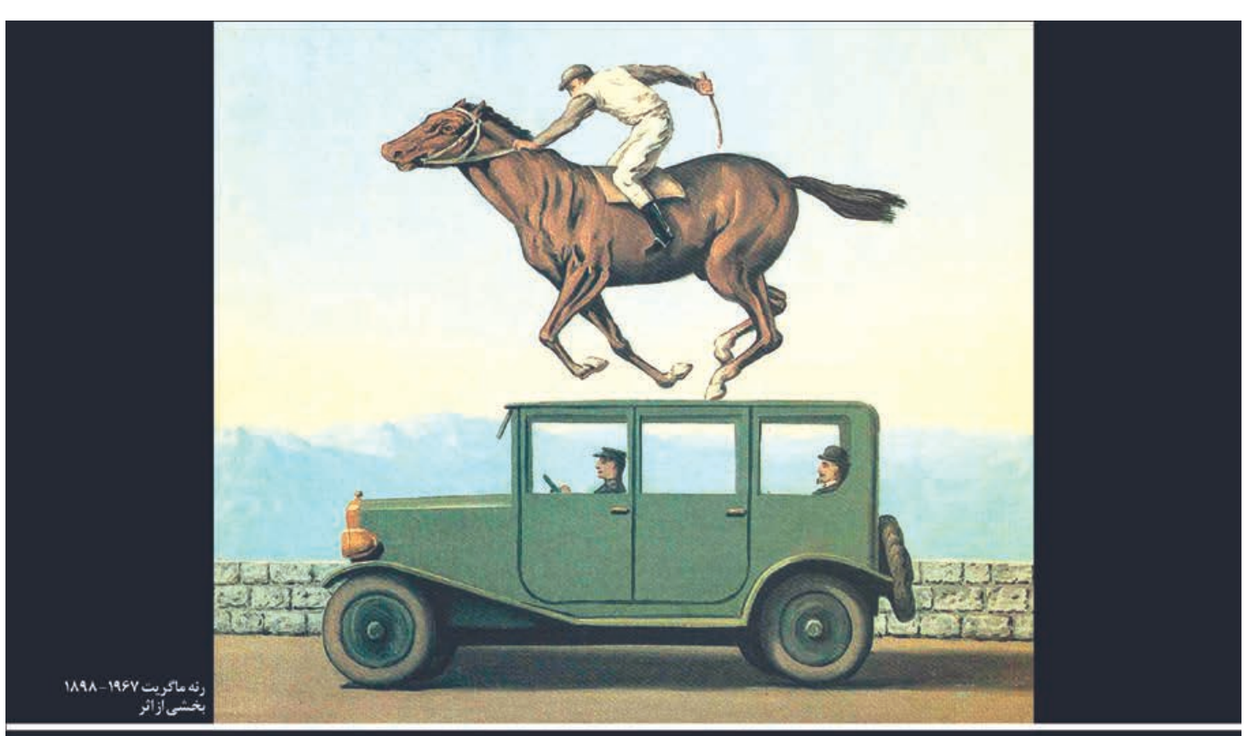
قاتل پس از دستگیری و باز سازی صحنه قتل تحویل مقامات قضایی شد و پرونده وی در روند رسیدگی قرار گرفت. انگیزه این فرد برای به قتل رساندن این زن جوان مشخص نیست.